

## باسمه تعالی

**عنوان کرسی:** نقد برداشت های دکتر سروش از مسأله خاتمیت در خصوص امامت

**ارائه دهنده:** دکتر توفیق اسداف (استادیار جامعه المصطفی العالمية)

**ناقد اول:** حجت الاسلام دکتر محمدباقر قیومی (استادیار جامعه المصطفی العالمية)

**ناقد دوم:** حجت الاسلام دکتر جواد جعفریان (استادیار جامعه المصطفی العالمية)

**مدیر کرسی:** حجت الاسلام دکتر سید مجید موسوی (مدرس جامعه المصطفی العالمية)

**مکان:** دانشگاه مجازی المصطفی

**زمان:** سه شنبه (۲۹ آبان ۱۴۰۳)، ساعت ۱۲:۳۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از دکتر اسداف به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند. در ادامه، ارائه دهنده دکتر اسداف به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

دکتر عبدالکریم سروش که یکی از معاصرین در حوزه ی روشنفکری دینی می باشد، از مسأله خاتمیت برداشتهای متفاوتی داشته است. ایشان در این مورد بحثهای مختلفی را مطرح کرده است که ما در این مقاله همه-ی سخنان ایشان را در این خصوص، به دو مرحله تقسیم نمودیم. در مرحله اول فلسفه ی خاتمیت را از دیدگاه ایشان بیان کرده و سپس اشکالات بحث را مطرح نمودیم. به عقیده ی دکتر سروش پیامبر اسلام (ص) بر خلاف انبیای دیگر، تمام تجربه باطنی تفسیر ناشده خود را در اختیار مردم گذاشت، و به همین خاطر هر کسی که به قرآن کریم مراجعه کند، با تفسیر و برداشتی روبه-رو است که عین باریدن وحی بر او می ماند. و به همین خاطر هر کس می تواند از دین، فهم جدیدی داشته باشد. همین يك دليل، يعني دوام یافتن وحی، راز خاتمیت است. و در مرحله دوم، نتیجه ای که ایشان از مفهوم خاتمیت به دست آورده، مورد انتقاد قرار دادیم. آقای سروش نتیجه ختم نبوت را آزادی نهایی عقل دانسته و همان آزادی را به معنای پایان رسیدن ولایت مطلقه اولیای الهی تفسیر می کند.

دکتر سروش مدعی است که سرّ و راز خاتمیت از آن جهت است که پیامبر اسلام (ص) برخلاف پیامبران دیگر، تجربه تفسیر نشده خود را که عین کلمات خداوند است، در اختیار مردم می گذارد، تا همه بتوانند با مراجعه به آن حاجات خود را بر طرف کنند. ایشان معتقد است پیامبر اسلام (ص) بر خلاف انبیای دیگر، تمام تجربه باطنی تفسیر نشده خود را در اختیار مردم گذاشت، و در نتیجه هر کسی که به قرآن کریم مراجعه کند، با تفسیر و برداشتی روبرو است که عین باریدن وحی بر او می ماند. و به همین خاطر هر کس می تواند از دین، فهم جدیدی داشته باشد. و با توجه به تداوم تجربه پیامبران عارفان دیگر نیازی به پیامبر جدید نیست؛ چون خداوند متعال انبیاء را به خاطر توسعه یافتن دین پشت سر هم می فرستاد؛ ولی با گسترش تجربه‌های پیامبران بعد از ختم نبوت، دیگر این نیازها برطرف می گردد. همین امر سبب می شود که سلسله نبوت به اتمام رسد.

همچنین، ایشان چنین می پندارد که در نتیجه خاتمیت، دیگر بشر فقط تابع عقل و تجربه خویش می باشد نه ما فوق عقل. یعنی هر چه عقل ما می گوید همین است و بس! و عقل بعد از ختم نبوت در تصمیم گیری های خویش به هیچ جایی وابسته نیست

ما با کمک گرفتن از منابع دینی و مباحث عقلی-کلامی، ادعای ایشان را مورد نقد قرار دادیم.

در این خصوص دو تا مقاله-ی مستقل نوشته شده است. اولین مقاله، تألیف آقای علی نصیری با عنوان «پیوند ناگسستگی خاتمیت با ولایت و نقد شبهه آقای سروش در این زمینه» است که البته در این مقاله فقط با بررسی مفهوم و عناصر معنای مفهوم خاتمیت مورد بررسی قرار داده که با فرض پذیرش نقش نوگستری ائمه (ع) به هیچ وجه مفهوم خاتمیت دچار خلل یا کمرنگ نشده است.

دومین مقاله، تألیف آقای قادر فاضلی با عنوان «نادرنگری-نقد مقاله خاتمیت دکتر عبدالکریم سروش» است که البته در این مقاله، فقط علل روانی و اجتماعی و سیاسی کلام وی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

این که دین اسلام در زمان خود پیامبر (ص) به کمال رسید، شکی نیست. و نیز در این که هدف اصلی دین هدایت بندگان است، صریح خود آیات قرآن است. بنابراین کمال دین زمانی تحقق می یابد که اصول و قوانین کلی لازم در راه هدایت بندگان را گفته باشد. و عدم تبیین تمام امور جزئی از جمله احکام محدثه، خللی به کمال آن نمی زند. زیرا خدای متعال این امر را بعد از رحلت آخرین رسولش به عهده جانشینان او واگذاشت.

به دلیل اینکه دین اسلام قرار است تا آخر قیامت پاسخ-گویی تمام مسائل مربوط به هدایت انسان باشد و ادعای کامل بودن دارد، نمی توانست در مدت بیست و سه سال نبوت پیامبر اسلام (ص)، این مهم را برآورده کند.

بنابراین اصرار به بسندگی آنچه در کتاب و سنت آمده است، با جامعیت و کمال دین ناسازگار است. و باید در مسائل جزئی به کسانی مراجعه کنیم که پیامبر اکرم (ص) آنها را برای ما مرجع قرار داده است.

البته، لازم به ذکر است که تبیین احکام از سوی ائمه (ع) به معنای تشریح نیست. تشریحی که اکثر علمای شیعه برای امامان خود قائلند، تشریح استقلال‌ی نیست، بلکه تشریح به معنای تبیین احکامی است که به دلایلی مانند عدم رسیدن وقت، مصلحت، عدم ابتلاء و غیره مسکوت مانده و طبق آیات و روایات بیان آن احکام به واسطه رسول خدا (ص) به امامان اهل بیت (ع) واگذار شده بود. بنابراین تشریح امامان به معنای فوق‌نه مخالف خاتمیت است و نه کمال دین. بلکه خاتمیت و کمال دین به ولایت آنان گره خورده است.

مقالاتی که از طرف نویسندگان محترم، از جمله مقاله آقای علی نصیری با عنوان «پیوند ناگسستنی خاتمیت با ولایت و نقد شبهه آقای سروش در این زمینه» و تألیف آقای قادر فاضلی با عنوان «نادرنگری\_نقد مقاله خاتمیت دکتر عبدالکریم سروش» نوشته شده است، بیشتر یا بررسی مفهوم و عناصر معنای مفهوم خاتمیت بوده و یا علل روانی و اجتماعی و سیاسی کلام دکتر سروش مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در حالی که بحث ما در این تحقیق کاملاً با روش کلامی پیش رفته است.

پس از ارائه تفصیلی دکتر اسداف، ناقد اول حجت الاسلام دکتر جواد جعفریان در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- چکیده و نتیجه مطابق قواعد و اصول پژوهشی نیست.
  - مقاله ساختار منظم و مرتب ندارد.
  - مقاله نیازمند اختصار است.
  - از روش جدولی نباید در مقاله علمی استفاده کرد، باید بر اساس مبانی مورد پذیرش طرف مقابل نقد و بررسی کنیم نه مبانی مورد پذیرش خودمان.
  - در نقدها، علم عرفان و عرفا نیز زیر سوال رفته اند، روش بحث میبایست اصلاح شود.
  - وحی امری شخصی و تجربی است، اما جنبه های دیگر نیز دارد بنابراین تجربی بودن آن نباید زیر سوال برود.
- در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که حجت الاسلام دکتر محمدباقر قیومی به موارد زیر پرداختند:
- عدم وجود پیشینه بحث در مقاله.
  - عدم تنقیح عنوان مقاله و موضوع بحث و عدم تبیین مفاهیم اصلی بحث.
  - عدم تبیین مسیر بحث.
  - مقدمه در مقاله بیش از حد طولانی شده که باید مختصر شود.
  - نبود محور واحد در مباحث مقاله تا مباحث بر اساس آن سامان یابد.
  - باید در مباحث تأکید شود که پیامبر اکرم از نگاه قرآن به عنوان پذیرنده بحث مطرح شود، نه فاعل و تولید کننده بحث.

- مقاله باید به حلقه بین خاتمیت و امامت اشاره می نمود.
- باید به تلقی شیعه و اهل سنت نسبت به بحث خلافت و امامت اشاره کرد.
- در مقاله باید به جایگاه عقل در مکتب امامیه اشاره نمود که عقل و وحی منشا واحد دارند.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش‌های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.